

نام حیوانات به همراه چند صفت مهم در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | سپتامبر 16, 2017

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم با نام حیوانات به همراه چند صفت پر کاربرد در زبان شیرین آلمانی آشنا شویم ، برای اینکار می توانیم به صورت شعر مانند یا ترانه مانند بگویم سریع مثل باد ، سر سخت یا محکم مثل سنگ ، آزاد مثل یک پرنده و ...

در مثال های بالا صفت (آزاد به همراه نام (پرنده) مورد استفاده قرار گرفته است که اینگونه ما می توانیم نه تنها یک صفت را یاد بگیریم حتی نام یک حیوان را نیز یاد بگیریم و چون تصویر سازی کوچکی در ذهن می شود ، آنها را بهتر به خاطر می سپاریم.

Dumm wie Brot بی تجربه یا کودن مثل نان

frei wie ein Vogel آزاد مثل یک پرنده

schnell wie der Wind سریع مثل باد

hart wie Stein سر سخت و محکم مثل سنگ

حال در ادامه می خواهیم به اسامی حیوانات به همراه چند صفت پر کاربرد بپردازیم

flink wie ein Wiesel سریع یا زبل مثل یک راسو (سیاه گوش)

stur wie ein Esel بیس یا اخمو مثل یک الاغ

dreckig wie eine Sau کثیف و گل آلود مثل یک خوک (گراز وحشی)

schön wie ein Pfau زیبا یا قشنگ مثل یک طاووس

eitel wie ein Pfau مغرور و متکبر مثل یک طاووس

stark wie ein Bär قوی مثل یک خرس

mutig wie ein Löwe دلیر و شجاع مثل یک شیر

unschuldig wie ein Lamm نجیب و پاک مثل یک بزغاله یا بره

Lamm که در تفکر آلمانی نماد بی گناهی و معصومیت نیز می باشد.

frech wie ein Dachs پُرو یا گستاخ مثل یک گفتار (گورکن)

blind wie ein Maulwurf کور یا نابینا مثل یک موش کور

arm wie eine Kirchenmaus بدبخت و بیچاره مثل موشی که در کلیساست

در واقع Kirchenmaus همان موش یا Die Maus هست اما حکایت از این دارد که موشی که هیچ چیز برای خوردن پیدا نمیکند ، حکایتی است قدیمی که در ایام های خیلی دور به دلیل فقیر بودن کلیسا ها ، موش های آنجا بسیار بدبخت و بیچاره بودن زیرا چیزی برای خوردن گیرشان نمی آمده البته امروزه به کسی که بدبخت یا بیچاره است نیز Kirchenmaus گفته می شود

Er ist arm wie eine Kirchenmaus

او مثل یک موش کلیسایی بیچاره و درمانده است

او خیلی بدبخت بیچاره است ، خیلی نداره ، دستش خالیه

lahm wie eine Ente lah از رمق افتاده یا از پا افتاده و خسته کوفته مانند یک مرغابی

giftig wie eine Schlange زهر آلود مثل یک مار

ängstlich wie ein Hase ترسو یا بز دل مانند یک خرگوش

diebisch wie eine Elster دو دره باز یا کش رو مثل یک کلاغ

fleißig wie eine Ameise پرکار و کوشا مانند یک مورچه

صفت fleißig می تواند به کسی که پشتکار دارد و پیوسته یک کار را با تلاش و زحمت انجام میدهد نسبت داده شود.

Er war sehr fleißig

او خیلی پر تلاش و کوشا بود

fleißig wie eine Biene پر تلاش و کوشا مانند یک زنبور

verschmitzt wie ein Fuchs نیرنگ باز یا حيله گر مثل یک روباه

و در پایان چند تا فعل به همراه اسم حیوانات

schlafen wie ein Murmeltier مثل یک موش خرما یا مارموت سنجابی خوابیدن

stinken wie ein Iltisse مثل یک راسو بوی بد دادن یا بوی گند دادن

heulen wie ein Schlosshund مثل یک سگ قلعه زوزه کشیدن یا گریه کردن

schwimmen wie ein Fisch مثل یک ماهی شنا کردن

springen wie ein junges Reh مثل یک غزال نوجوان یا مثل یک آهو تازه نفس پریدن

schuften wie ein Ackergaul مثل یک یابو کار کردن و جان کندن

Augen haben wie ein Luchs چشمانی همچون یک گربه داشتن

البته Luchs را سیاه گوش یا وشق می گویند که گونه ای گربه است با چشمان بسیار زیبا

برای تکمیل شدن این بخش و همچنین استفاده دیگران ، شما نیز می توانید اسامی حیوانات را به همراه صفت هایشان در بخش نظرات این درس درج کنید.